

The Place of Mystical Love in Mersad-ol 'Ebad Observation with a Reflection on Ahmad Ghazali's Point of View

Mahmood Bashiri * 

Associate Professor, Persian Language and
Literature Department, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Nilofar Ansari 

Postdoctoral student of Persian Language and
Literature, Tarbiat Modares University, Tehran,
Iran

Abstract

The truth of love as the highest existential truth is one of the most fundamental issues of mysticism that many have written about in this field. Ahmad al-Ghazali and Najmuddin Razi are two mystics (fifth and seventh centuries) who have discussed significant issues in the field of mystical love. In this research, a descriptive-analytical method was used, which was done by analyzing the evidence in the text and referring to library sources. Based on the results of this research, Ghazali and Razi believe that true knowledge comes only through love, and based on the theory of the Unity of Being, all manifestations of existence are a reflection of the face of truth. The lover loves all these manifestations and this loving look is the reason for the beauty of the whole existence. According to these two mystics, before entering the world, man was a trustee of the essence of love, and both mystics, quoting the verse "Yahbham and Yahbunah", know the beginning of lovemaking from the God and the intellect in the path of love and the seeker to the imperfect the God. And they know poorly. Mirror and mirror-holding is another issue that has been raised in Mersad-ol 'Ebad and Ghazali's works, which is like a mirror in which the mystic Jamal Hagh looks at the beautiful and conscious heart, and the lover can find his perfection of beauty only in the mirror of love and desire. The divisibility of love is another material that is by implication extracted from Mersad-ol 'Ebad and Ghazali's works, and the existing material indicates that these two mystics both believe in division of love into different types.

Keywords: Mystical Love, Mersad-ol 'Ebad, Ahmad Ghazali, True Knowledge.


Corresponding Author: zrpbashiri2001@yahoo.com

How to Cite: Bashiri, M., Ansari, N. (2022). The Place of Mystical Love in Mersad-ol 'Ebad Observation with a Reflection on Ahmad Ghazali's Point of View. *Mysticism in Persian Literature*, Vol. 1, No. 2, 41-61.



جایگاه عشق عرفانی در مرصادالعباد با تأملی در دیدگاه احمد غزالی

محمود بشیری*  دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نیلوفر انصاری  دانشجوی پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

حقیقت عشق - به عنوان بالاترین حقیقت وجودی - از اساسی‌ترین مسائل عرفان است که عارفان بسیاری در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند. احمد غزالی و نجم‌الدین رازی دو تن از این عارفان (قرن پنجم و قرن هفتم) هستند و مباحث بسیار مؤثری در زمینه عشق عرفانی مطرح کرده‌اند. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون‌متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که غزالی و رازی بر این باورند که معرفت حقیقی تنها از طریق عشق به وجود می‌آید و براساس نظریه وحدت وجود، همه تجلیات هستی، انعکاس صورت حق هستند. عاشق همه این تجلیات را دوست دارد و همین نگاه عاشقانه، دلیل زیبا بودن تمام هستی است. از نظر این دو عارف، انسان قبل از ورود به دنیا، امانت‌دار گوهر عشق بود و هر دو عارف با استناد به آیه «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»، آغاز عشق‌ورزی را از جانب خداوند می‌دانند و عقل را در مسیر عشق و وصال سالک به معبود ناقص و ضعیف می‌دانند. آینه و آینه‌داری از دیگر مباحثی است که در مرصادالعباد و آثار غزالی مطرح شده که روی زیبا و دل‌آگاه همچون آینه‌ای است که عارف، جمال حق را در آن آینه تماشا می‌کند و معشوق تنها در آینه عشق و طلب عاشق می‌تواند کمال زیبایی خود را دریابد. تقسیم‌پذیری عشق از دیگر مطالبی است که به صورت غیرمستقیم در مرصادالعباد و آثار غزالی استخراج می‌شود و مطالب موجود حاکی از باور این دو عارف در تقسیم عشق به اقسام مختلف است.

کلیدواژه‌ها: عشق عرفانی، مرصادالعباد، احمد غزالی، معرفت حقیقی.

مقدمه

مفهوم عشق و رابطه آن با زیبایی، یکی از مسائل بسیار اساسی در راه آگاهی از عشق است. احمد غزالی در سوانح العشاق و سایر آثار خود در باب عشق، عاشق و معشوق سخن می‌راند و نجم‌الدین رازی نیز از وجود گوهر عشق در دل انسان خبر می‌دهد. عشق در مکتب فکری این دو عارف، دارای وجوه تشابه بسیار و تمایزاتی است.

رازی در مرصادالعباد بر این باور است که «عشق بهترین ابزار آدمی برای سیر از نقص به کمال است، در نزد او آدمیان بالقوه استعداد عاشقی دارند، اما این موهبت نصیب هر کس نمی‌شود» (پرهیزگار و عقداپی، ۱۳۸۸). وی جایگاه عشق را دل آدمی می‌داند، اما هر دلی نمی‌تواند موهبت عشق را درک کند؛ بلکه مستلزم ایجاد شرایطی است و سالک باید دل را از غیر معشوق (خداوند) خالی کند.

از دیدگاه غزالی نیز بارگاه عشق، روح است و از روز ازل بر نهاد و فطرت انسان عرضه شده است. زیبایی و عشق در آثار غزالی ملازم یکدیگرند و آفرینش جز ظهور و تجلی چیز دیگری نیست. ظهور تنها با محبت محقق می‌شود. همچنین خواجه با استناد به آیه ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾^۱ بر این باور است که عشق، یک امر قدسی است و اینکه «اصل عشق از قدم می‌روید» (مجاهد، ۱۳۷۶).

هدف این پژوهش با عنایت به حوزه اندیشگانی غزالی و نجم‌الدین رازی در حوزه عشق و وجود تشابهات بسیار در الفاظ، تعابیر و مضامین، بررسی و تحلیل گسترده آرا و اندیشه‌های این دو فیلسوف عارف در این زمینه است و سعی بر آن است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- عشق عرفانی در آثار احمد غزالی و نجم‌الدین رازی چگونه تبیین می‌شود؟
- وجوه تشابه و تمایز این دو عارف در موضوع عشق چیست؟

۱. روش پژوهش

روش کار در این پژوهش استقرایی بوده است و با استفاده از منابع دست اول و معتبر، جست‌وجو در کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، نظریات احمد غزالی و نجم‌الدین رازی در موضوع عشق استخراج شد. سپس به تحلیل و بررسی پیوند افکار این دو فیلسوف عارف

۱. سوره مائده، آیه ۵۴

پرداخته شد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در موضوع آرا و اندیشه‌های احمد غزالی درباره عشق صورت گرفته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «بررسی تطبیقی عشق از نظر احمد غزالی و ملاصدرا» (صالحی، ۱۳۹۵)، «مکتوبی از احمد غزالی» (پورجوادی، ۱۳۵۶)، «عالم خیال از نظر احمد غزالی» (پورجوادی، ۱۳۶۵)، «مبانی نظری عشق عرفانی در سوانح العشاق احمد غزالی» (رودگر، ۱۳۹۷) و «مفهوم عشق و مقایسه آن در دستگاه فکری احمد غزالی و عین‌القضات همدانی» (اسماعیل پور، ۱۳۹۰).

همچنین درباره مرصادالعباد، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده که عبارتند از: «قرآن وحدیث، الهام بخش آرای عرفانی نجم‌الدین رازی در مرصادالعباد» (اسماعیل پور، ۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای انسان‌شناسی عرفانی از منظر شیخ نجم‌الدین رازی و عزیز نسفی» (خیاطیان و رشیدی نسب، ۱۳۹۷)، «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ذوق ادبی با تأکید بر مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» (سیدان و پورعماد، ۱۳۹۶)، «زیبایی عرفانی در مرصادالعباد» (اسماعیل پور، ۱۳۹۴) «رابطه تجلی با محبت و معرفت با تأکید بر مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» (امامی و همکاران، ۱۳۸۹).

آثار فوق، مبحث عشق را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داده‌اند و تاکنون کار علمی با این موضوع و به این شیوه مقاله حاضر صورت نگرفته است؛ از این رو، جنبه نوآوری تحقیق، تبیین اصول و مفاهیم عشق عرفانی از دیدگاه غزالی و رازی است.

۳. یافته‌ها

در این پژوهش دیدگاه غزالی و رازی در مورد عشق تحلیل و بررسی می‌شود و در ادامه با تحلیل دیدگاه این دو عارف، وجوه مشترک و متمایز عقاید این دو عارف، بررسی و تحلیل خواهد شد و در نهایت مشخصه‌های عشق عرفانی در آثار غزالی و مرصادالعباد ذکر می‌شود.

در حقیقت در تحلیل کیفی عشق عرفانی در مرصادالعباد به دنبال توضیح این مطلب هستیم که احمد غزالی و نجم‌الدین رازی در باب عشق، حقیقت و حالات گوناگون آن، چگونه سخن گفته‌اند.

۴. مبانی نظری

۴-۱. عشق از دیدگاه نجم‌الدین رازی

نجم‌الدین رازی در کتاب مرصادالعباد، عشق عرفانی و زیبایی را با هم پیوند زده است؛ آنچنانکه هر جا نام انسان مطرح می‌شود، زیبایی و عشق هویدا می‌شود. به باور رازی، زمانی عشق آغاز شد که محبت خداوند شامل انسان شد و با تصرف حق در خاک آدم به مدت چهل شبانه روز، دل آدم جایگاه عشق شد. این جسم صنوبری با آفتاب نظر خداوند، آرامش گرفت و جز درگاه خداوند هیچ جایی را لایق ندانست؛ بنابراین، عشق، یک امر ازلی است که خداوند به انسان عطا کرد تا انسان مظهر جمیع صفات خداوندی شده و برای رسیدن و درک عشق خداوند باید همواره از ورود هرگونه گرد و غبار و زشتی به درون دل دوری کند.

رازی درک عشق خداوند را مشروط به زودن غبار غفلت و گناه از دل انسان می‌داند و در فصل‌های ده تا پانزده کتاب مرصادالعباد، روش‌های عملی عرفان خاص خود را آموزش می‌دهد. یکی از روش‌هایی که شیخ در فهم عشق حضرت حق مطرح می‌کند، آیینگی مدام دل است: «زنگار انکار از چهره آئینه این کار بردارید» (رازی، ۱۳۸۷). از دیدگاه رازی «زمانی که مرید، زیبایی شیخ را در دل بسان آینه خود تماشا کرد، شیفته جمال و زیبایی شیخ می‌شود و آرامش خود را از دست می‌دهد، منشأ این خوشبختی‌ها عشق است و تا زمانی که مرید عاشق زیبایی شیخ نشود، همچنان در بند تصرف و اختیار خویش است» (رازی، ۱۳۸۰).

رازی بالاترین درجه عشق را مرحله فنا می‌داند؛ مرحله‌ای که هیچ مانع و حجابی میان عاشق و معشوق نیست. «عاشق توانایی رسیدن بی واسطه به مقام شهود را دارد و چنانچه در دریای بی پایان شهود غرق شود و در راه عشق حق فانی شود در این جایگاه، زیبایی شاهد هم نظر با آینه دل انسان است» (رازی، ۱۳۸۰). شیخ بر این باور است که چون سالک بر قدم صدق رفت، در نهایت، مشهود بی واسطه برایش میسر می‌شود؛ چراکه صدق در ساحت

عشق، نقشی بنیادین دارد و سالکی که با کمند صدق در مسیر عشق گام نهد، حرمت حریم الهی را شکسته است و به مراد دل نمی‌رسد؛ بنابراین، رازی صدق را بنای اصلی عشق‌ورزی و توجه به حق می‌داند؛ چراکه عشقی که بر اساس صدق آغاز نشده باشد، سرانجامی نخواهد داشت.

۴-۲. عشق از دیدگاه احمد غزالی

از دیدگاه غزالی، رابطه عشق و زیبایی یکی از مسائل بسیار مهم و ضروری در راه شناخت عشق است و همه تجلیات هستی، انعکاس صورت حق است و بر این باور است که آمیختگی روح و عشق ازلی است و به محض پیوستگی عشق به روح، محبت روح نسبت به عشق (جمال معشوق) آغاز شد. دل انسان عاشق، جایگاه معشوق (حضرت حق) اسرار غیبی، محبت و جمال است؛ به بیان دیگر، دل آینه‌ای است که خداوند از آن طریق به جمال خویش می‌نگرد. آینه‌ای به نام دل در وجود انسان وجود دارد که محل عشق است و به وسیله آن، همه زیبایی‌هایش را به جهت وسعت بی‌کرانه‌اش به تمام و کمال به نمایش می‌گذارد؛ «بارگاه جمال، دیده عاشق است و بارگاه عشق، ایوان جان است و بارگاه سیاست عشق، دل عاشق است و بارگاه درد هم دل عاشق» (غزالی، ۱۳۶۸).

دقت در روابط عاشق و معشوق در آثار احمد غزالی بیانگر آن است که هم عاشق از زیبایی قوت می‌خورد و هم معشوق؛ با این تفاوت که «عشق عاشق بر حقیقت است و عشق معشوق عکس تابش عشق عاشق در آینه دل او» (مجاهد، ۱۳۷۶)؛ عاشق شیدای زیبایی معشوق می‌شود و معشوق نیز کمال حسن خود را در نتواند یافت، الا در آینه عشق عاشق. عاشق در مقام فنای عاشقانه، آینه تمام‌نمای زیبایی‌های معشوق می‌شود و به همین جهت، معشوق او را عضوی از پیکره خود می‌داند و به او غیرت می‌ورزد؛ بنابراین، عشق، زیبایی، وجود، پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند. وجود زیباست و عشق از زیبایی به وجود می‌آید.

غزالی، عشق را مطلق و بدون هیچ‌گونه نسبت و اعتبار می‌داند؛ بنابراین، از نظر غزالی، عشق مطلق در سیر نزولی به همراه روح از مرتبه اطلاق خارج شده و به مرتبه عاشقی و معشوقی تنزل می‌کند. سپس دوباره در سیر صعودی به اصل و مطلقیت خود بازمی‌گردد. به بیان دیگر، نظر غزالی درباره عشق در حقیقت تفسیر خاص او از کلمات قرآنی ﴿يُحِبُّهُمْ

و يُحِبُّونَهُ ﴿ است. وی همچنین عشق مجازی را همانند پلی می‌داند که عارف عاشق را به آن زیبایی مطلق متصل می‌کند. البته مجاز را وجودی مستقل از حقیقت نمی‌داند، بلکه جزئی یا حتی سایه و جلوه‌ای از آن می‌داند. زیبایی‌های این دنیا، پلی برای رسیدن به زیبایی‌های مطلق است؛ بنابراین، عشقی که غزالی از آن سخن می‌گوید منزلت والایی دارد و از هرگونه نسبت منزّه است.

۳-۴. وجوه تفاوت و تشابه عشق عرفانی در افکار احمد غزالی و نجم‌الدین

رازی

غزالی در آثار خود به خصوص در سوانح العشاق تأکید می‌کند که منظور از امانت الهی که در آیه هفتاد و دوم سوره احزاب مطرح است، همان عشق است. در مرصادالعباد نیز همین نظر بیان شده که عشق امانتی است که خداوند در روز ازل به انسان سپرده و هر دو برای عشق حق و انسان یک رابطه دو طرفه قائلند و بر این باورند که عشق، عامل اصلی تکامل وجودی انسان است.

غزالی «عشق به انسان کامل» را بالاترین نوع عشق می‌داند و بنا به باور وی، خداوند به علت حب ذات، جمال خود را دوست دارد و مظهر جمالش؛ یعنی انسان کامل را نیز به دلیل اینکه جامع اسماء و صفات خود اوست، دوست دارد؛ البته لفظ انسان کامل در مرصادالعباد نیست به این خاطر که رازی معتقد است، انسان‌ها، استعداد تربیت دارند و به وسیله تربیت، توانایی رسیدن به کمال را دارند. انسان‌ها در شرایط خاص به کمال می‌رسند و افراد در شرایط خاص، انسان‌های برتر و دارای کمالات می‌شوند. واژه «خاص الخواص» در مرصادالعباد، بیان‌کننده دیدگاه رازی از انسان کامل است و آنچه باعث این برتری این است که خاص الخواص به مرتبه معرفت شهودی حق دست یافته است. از نظر رازی، پیامبر اکرم کامل‌ترین انسان است «مبدأ عالم ارواح روح پاک محمدی علیه الصلاة والسلام آمد» (رازی، ۱۳۸۱).

هر دو عارف در بیان نظریه «وحدت وجود عاشقانه» و «فنای عاشقانه» مشترک هستند و به باور این دو عارف، عاشق با فناى خود، بین خود و ذرات هستی مساوات برقرار می‌کند و به همه چیز عشق می‌ورزد و همه مظاهر طبیعت را جلوه خدا می‌داند و به همه چیز به منزله شخص، عشق می‌ورزد و آن شخص جز خدا کسی نیست که این را «وحدت وجود

عاشقانه» گویند. «غزالی «لا اله الا الله» را «ترجمان توحید عشق» می‌داند» (مجاهد، ۱۳۷۶) و زیبایی را نشان صنع خداوند می‌داند و «کل جمیل من جمال الله» کافی است که عاشق عارف به وحدت وجود عاشقانه برسد. رازی نیز «صورت پرتو نور احدیت را کلمه توحید لا إله إلا الله می‌داند» و پیامبر اکرم (ص) را کامل‌ترین و برترین انسان در جهان و به بیانی دیگر، صورت همه عوالم ملکوت می‌داند (رازی، ۱۳۲۲ ق).

خردستیزی و تعارض عقل با عشق، یکی دیگر از خصائص مشترک غزالی و رازی است؛ البته خردستیزی به این معنا نیست که این دو عارف همیشه و در همه زمینه‌ها با عقل مخالف بوده‌اند، بلکه تنها با عقل انسانی که مخالف عشق بوده است، مخالفند. مکتب غزالی و رازی برای بیان طریق عشق ورزی، سکر و مستی است؛ این در حالی است که مانند عارفان دیگر، جایگاه عقل را در حوزه‌های دیگر، نفی نمی‌کنند.

خواجه احمد غزالی در بیان مسائل مربوط به عشق، بیشتر از رازی از زبان تمثیل بهره برده است و در مقابل رازی به بیان تفسیر عرفانی و برداشت عارفانه از آیات اکتفا می‌کند. عشق در مرصادالعباد به زبان ساده و بدون رمز و کنایه و تقسیم‌بندی صریح مطرح شده و این در حالی است که زبان غزالی، رمزی و کنایی است و به علت رمزی بودن، قدرت تحلیل و تفکر انسان را بالا می‌برد. از سوی دیگر، تقسیم‌بندی عشق در آثار غزالی به صورت غیرصریح مطرح شده است.

غزالی تعبیر جدیدی از عشق را با نام «عشق مطلق» مطرح می‌کند در صورتی که این تعبیر در مرصادالعباد به کار نرفته است، اما از متن مرصادالعباد می‌توان دریافت که رازی نیز به صورت کنایه‌ای به این عشق باور دارد و در مورد آن سخن گفته است. هر دو عارف بر قنطره بودن عشق مجازی برای عشق حقیقی مشروط به «پاک بودن عشق» باور دارند. با وجود اینکه غزالی و رازی با دو بیان متمایز به عشق پرداخته‌اند، شباهت‌های بسیار در نوع بیان و نگاه آنان به عشق ملاحظه می‌شود و تنها اختلاف موجود میان عقاید این دو عارف در شیوه بیان و پرداختن به مفاهیم و اختلاف‌های جزئی در قرائت‌هایی است که از تمثیل‌ها، آیات و روایات داشته‌اند.

۱-۵. جایگاه عشق در تکامل وجودی انسان

از دیدگاه احمد غزالی، وجود در هر مرتبه زیبا است، عشق نیز فرزند زیبایی است. وجود، عشق و زیبایی، پیوندی ناگسستنی دارند. وجود بدون عشق معدوم است؛ چنانکه پدیدار شدن عشق نیز بدون وجود غیرممکن است. «تنها موجودی که همواره در تکامل و ارتقای وجودی می‌کوشد، انسان است؛ چنان که قادر است که تمام مراتب هستی را سیر کند. احمد غزالی زمانی که از عشق سخن می‌راند، هدف او بررسی تکامل وجودی انسان از طریق عشق است؛ به همین خاطر آغاز سخن خود را با کلمات قرآنی ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾^۱ زینت می‌بخشد که این کلمات متضمن سیر و سلوک انسان به وسیله عشق است. غزالی سیر تکاملی انسان را از نزول ابتدایی روح انسان آغاز می‌کند؛ بدین گونه که روح در روز ازل به وجود آمد و از اصل خود دور شد؛ عنایت حق مشمول حال او به حکم «يُحِبُّهُمْ» معشوق شد و با ندای «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ»، او را از عشق خویش آگاه کرد و به سوی خود دعوت کرد، ندای حق توسط روح شنیده شد و با پاسخ «بَلَى شَهِدْنَا» به اصل خویش بازگشت و تجلی حق را در آیینۀ وجود خویش دید و به حکم «يُحِبُّونَهُ» عاشق و حامل بار امانت شد. روح دوباره از اصل خود دور شد و گرفتار زندان بشریت شد. روح در عالم کثرات، مظاهر اصل خود را همواره می‌بیند و به یاد اصل خود و عهدی که در روز میثاق بسته بود، می‌افتد؛ به همین خاطر به مظاهر دنیا دل می‌بندد؛ البته روح باید وفای به عهد کند و امانت عشقی که به او سپرده شده است، رهسپار وادی حق شود تا باری دیگر معنا را دریابد (غزالی، ۱۳۹۷ و ۱۳۵۹).

نجم‌الدین رازی نیز یکی از دلایل برتری انسان بر سایر موجودات را عشق می‌داند که این امانت در روز ازل به انسان سپرده شده است و با استناد به آیه قرآن ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾^۱ آدمیزاد را گرامی داشتیم، آدمی مشمول عنایت حق است در بحر و در بر؛ بحر ملکوت است و بر عالم اجسام است. در حقیقت آن باری که بر و بحر نتوانست بگیرد، آدمی گرفت.

از دیدگاه نجم‌الدین رازی «میان عاشق و معشوق، به حقیقت دوگانگی و بیگانگی وجود ندارد، عاشق، معشوق است و معشوق، عاشق است و جامۀ عشق را تار یُحِبُّهُمْ آمد و

۱. سوره احزاب، آیه ۷۰

بود یُحِبُّونَه» (همان: ۶۵)؛ بنابراین، در بینش رازی، انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه به دلیل فیض عقل و عشق و اخذ آن به صورت بی‌واسطه است. مجموعه اندیشه‌های نجم‌الدین رازی بیانگر جلال و شکوه آدمی در برابر سایر مخلوقات به دلیل نزدیکی به حق و تصویرسازی نوعی از وحدت و یگانگی با بیان دوستی، حب و عشق است. وی بر این باور است که انسان مرکز اصلی عالم محسوب می‌شود؛ به همین خاطر او، شکلی دوار برای عالم به تصویر می‌کشد که انسان در هسته و نزدیک‌ترین جایگاه به خداوند قرار دارد و روح آدمی را نخستین مخلوق به حق می‌داند و نخستین علت برتری آدم بر عالم را به واسطه خلقت بی‌واسطه روح می‌داند و این در حالی است که همه عالم با اشاره «کن» و به واسطه و امتداد ایام به وجود آمد. روح انسان مستقیم خلق شده است (رازی، ۱۳۲۲ ق)؛ یعنی به عقیده رازی، بنا بر مشیت خداوند، آدمی مهم‌ترین موجود در عالم است و اولین معشوق و محبوب، آدمی است؛ زیرا که «یُحِبُّهُمْ» بر «یُحِبُّونَه» سبقت دارد و همین افتخار برای آدمی کافی است که صفت معشوقی و محبوبی «یُحِبُّهُمْ» برای او در نظر گرفته شده است؛ «خاصیت آدمی این نه بس است که محبوبش پیش از محبی بود؟ این اندک منقبتی بود؟» (همان: ۲۱).

غزالی و رازی هر دو قائل به تکامل وجودی انسان هستند و محرک اصلی را عشق می‌دانند و هر دو از سیر صعودی و نزولی روح، حالات و مراتب وجودی عاشق و ادراکات سخن می‌رانند با این تفاوت که از نظر غزالی، حقیقت فنا در اتحاد عاشق و معشوق در حقیقت عشق است و هر دو بر این باورند که روح و عشق باهم سرشته شده‌اند و از همان آغاز آفرینش، همراه هم بوده‌اند و به محض پیوستگی عشق به روح، محبت روح نسبت به عشق (جمال معشوق) آغاز شد. عرفای اهل ذوق از لحظه ملاقات و دلدادگی و دل‌بستگی به‌روز «الست» تعبیر کرده‌اند.

۵-۲. آینه‌داری عشق

نظریه آینه‌داری با عبارات مختلف در آثار احمد غزالی استخراج می‌شود؛ مطابق این نظریه «نه تنها انسان زیبا است؛ بلکه تمام زیبایی‌های هستی گرامی و درخور ستایش است. مطابق با نظر احمد غزالی، عاشق راستین با رسیدن به مقام فنا، آینه تمام‌نمای اوصاف و ویژگی‌های معشوق است و از زیبایی‌های معشوق برخوردار می‌شود و معشوق از انعکاس

زیبایی‌هایش در آینه او» (مجاهد، ۱۳۷۶). در حقیقت یکی از تعارض‌های عشق عاشق با معشوق در این است که عشق عاشق بر حقیقت است و عشق معشوق، عکس تابش عشق عاشق در آینه دل او (همان: ۱۳۲). عشق، آینه‌ای است که عاشق و معشوق از رهگذر آن می‌توانند به حقایق نهفته در وجود خویش پی ببرند. عاشق به جمال معشوق و معشوق به حسن خود می‌نگرد؛ منظور این است که عاشق از طریق این آینه به نیاز خود در مقابل معشوق و نیز برتری و کمال معشوق پی می‌برد؛ «عشق عجب آینه‌ای است هم عاشق را و هم معشوق را، هم در خود دیدن و هم در معشوق دیدن و هم در اغیار دیدن و...» (غزالی، ۱۳۶۸). معشوق تنها در آینه عشق و طلب عاشق می‌تواند کمال زیبایی خود را دریابد و به همین خاطر است که حسن خداوند در روز ازل می‌خواست تجلی پیدا کند و تمام آفرینش محصول این تجلی است؛ تمام هستی آینه‌دار خداوند است؛ با این وجود زمانی که انسان به عرصه سلوک عاشقانه قدم می‌نهد، پا را از آینه‌داری فراتر می‌گذارد و وجود خود را در تجلیات حضرت معشوق فانی می‌کند. او «به حسن معشوق از معشوق نزدیک‌تر است، معشوق را از خودی خود، خودتر است، معشوق را از او تر بود تا به جایی رسد که عاشق اعتقاد کند که معشوق خود اوست» (مجاهد، ۱۳۷۶).

از دیگر مفاهیم عرفانی در مرصادالعباد نیز نظریه آینه‌داری عشق است. خلاصه این نظریه این چنین مطرح شده است که هر چه هست در جهان، هست همه مثال تو؛ زیبایی جلوه خداست و روی زیبا همچون آینه‌ای است که عارف می‌تواند جمال حق را در آن ببیند؛ البته نباید عاشق خود آینه شد؛ نباید به نفس زیبا رویان عشق ورزید که آنان آینه‌داران آن جمال مطلق‌اند.

«عشق آینه است و هر دو جهان غلاف آن آینه. ظهور جملگی صفات جمال و جلال حضرت الوهیت (معشوق) به وسیله این آینه بر انسان (عاشق) می‌تابد» (رازی، ۱۳۸۷). از دیدگاه نجم‌الدین رازی، علت آفرینش جهان، آفرینش انسان است تا آینه جمال حق باشد و براساس این تمثیل انسان و به ویژه پیامبر اکرم (ص) آینه ذات الله است که خداوند متعال خود را در ذات آینه‌سان انسان مشاهده کند: «از این‌ها هیچ درست نیاید بار امانت کشیدن الا انسان و خَلَقَ آدَمَ عَلٰی صُوْرَتِهِ بَدِیْنٍ مَعْنٰی بَاشِد» (همان: ۳).

بنابر باور نجم‌الدین رازی، حضرت حق، روح آدم را از آسمان و جسم او را از زمین پدید آورده است و به فرشتگان امر کرد که دل آدمی باید خاصیت آینه داشته باشد برای

اینکه فروغ رخ خویش را در دل آدمی ببیند؛ چراکه فروغ رخ او در دل آدمی، ظلمت و تیرگی را از دل‌ها می‌ربود؛ سپس پس از دستکاری مшти خاک توسط خداوند، فرشتگان انعکاس زیبایی حق در آئینه دل انسان، تماشا کردند «هر آینه که در نهاد آدم بر کار می‌نهادند و در آن آینه جمال‌نمای دیده جمال بین می‌گذاشتند تا چون او در آینه به هزار و یک دریچه خود را ببیند، آدم به هزار و یک دیده او را ببیند» (رازی، ۱۳۸۰).

هر آینه، اسمایی از اسمای الهی و صفاتی از صفات حق تعالی است که به آدم عطا شد که مظهر جمیع صفات خداوندی باشد. دل جایگاه زیبایی خداوند است و جز دل انسان کامل، آینه‌ای جامع زیبایی‌های خداوند وجود ندارد. این جسم صنوبری تنها با نگاه خداوند آرامش پیدا می‌کند «گوهر محبت که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشتند، هیچ کس استحقاق خزانه‌داری و خزانگی آن نیافت، دل آدم لایق خزانگی آن بود، چراکه با آفتاب نظر پرورش رشد کرده بود و جان آدم شایسته خزانه‌داری آن بود که چندین هزار سال از پرتو نور صفات جلال احدیت پرورش یافته بود» (رازی، ۱۳۸۰).

دیدگاه رازی در مورد عظمت بخشیدن به زیبایی‌های درون دل به تأویل آیه ۷۲ سوره احزاب مرتبط می‌شود؛ چراکه خورشید صفات و افعال تنها زمانی که اعیان و صور عالم به سوی پروردگار روی بیاورند، پرتو افشانی می‌کند.

افزون بر این موارد، رازی، پیامبر اکرم (ص) را مانند آینه‌ای تشبیه می‌کند که آینه ذات خداوند است و خداوند خود را در ذات آینه‌سان انسان تماشا می‌کند و بر این باور است که انسان باید از نشستن هرگونه گرد و غبار زشتی بر صورت دل جلوگیری کند و یکی از راه‌هایی که شیخ پیشنهاد می‌کند؛ جلوگیری از زنگار ظلمت و تاریکی آیینگی مدام دل است (رازی، ۱۳۸۰).

۳-۵. تعارض عشق و عقل

تضاد میان عشق و عقل از دیگر مسائلی است که در بسیاری از آثار عرفانی مطرح بوده است؛ همواره هرگاه از تضاد عقل با عشق سخن گفته شده، منظور «عقل جزئی و عقل دنیایی» است؛ چراکه از نظر عرفا، عقل سبب غرق انسان در دنیا می‌شود و انسان را از یاد خدا بازمی‌دارد؛ البته «عقل کل» در عرفان و تصوف نیز همواره مورد توجه بوده است. عقل

جایگاه عشق عرفانی در مرصادالعباد با تأملی در دیدگاه احمد غزالی | بشیری و انصاری | ۵۳

کل اولین صادره از حق تعالی است، به اعتبار آنکه «أول ما خلق الله العقل» پیامبر اکرم (ص) به واسطه این عقل «عاقل‌ترین» نامیده شده است.

از دیدگاه احمد غزالی، به عقل، دید و بینش کافی برای ادراک عشق عطا نشده است: «عقول را دیده بر بسته‌اند از ادراک جان و صدف عشق که لؤلؤ مکنون است» (غزالی، ۱۳۶۸).

شیخ معتقد است که عشق و دیوانگی همسو و گاهی متضاد با عقل است. سالک با چراغ عقل به ساحل عشق قدم می‌گذارد «علم را راه به ساحل است» (غزالی، ۱۳۵۸) و در آن جایگاه درک می‌کند که برای وصال به حقیقت جز سوزاندن عقل و غرق شدن در دریای حقیقت راهی نیست. عقل هرگز وسیله مناسبی برای عاشقی نیست و فنا شدن در راه عشق، و رای عقل است. «غزالی در رساله سوانح، روح را به صدفی تشبیه می‌کند که معنی عشق در آن پرورش می‌یابد. عقل را در این صدف، راه نیست» (غزالی، ۱۳۵۸).

هر کس از پندار خود در عشق لافی می‌زند عشق از پندار خالی وز چنین واز چنان
(غزالی، ۱۳۵۸)

غزالی از عقل تنها در مواجهه با عشق سخن می‌راند و عقل را بسان پروانه‌ای می‌داند که باید سوخته شود (رودگر، ۱۳۹۰) و بر این باور است که عشق از دیده عقل از آن جهت پوشیده است که علم در دریای عشق غرق است و برترین مبادی عقل با عشق، قابل قیاس نیست؛ چراکه عشق مستقیماً به علم الهی متصل است؛ «نهایت علم به ساحل عشق است. اگر بر ساحل بود از او حدیثی نصیب وی بود و اگر قدم پیش نهاد، غرقه شود. آنکه که یابد و که خبر دهد و غرقه شده را کجا علم بود؟» (همان: ۲۶۱).

نجم‌الدین رازی نیز در مرصادالعباد به تعارض عقل و عشق پرداخته است: «میان محبت و عقل منازعت و مخالفت است، هرگز با یکدیگر سازگار نیستند، هر کجا عقل مسکن گزیند، محبت رخت بر بندد» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۷).

عشق آمد و کرد عقل غارت ای دل تو به جان بر این بشارت
(همان: ۶۳)

رازی بر این باور است که عقل در سلوک عرفانی ناتوان است؛ بنابراین، در حوزه عشق، عقل باید کنار گذاشته شود؛ البته همین عقل با وجود اینکه ناتوان از ورود به حوزه عرفان و شناخت است، اما قادر به استدلال و حل و فصل امور دنیوی است؛ بنابراین، عقل در دنیا و مسائل دنیوی محدود می‌شود؛ «انسان را هزار باده از عقل شریف‌تر، چون دل حقیقی و سرّ و روح و خفی و به عقل ادراک این نتوان کرد و آن را پرورش به عقل نتوان داد که عقل خود ابتدا از ادراک خویش عاجز است» (همان: ۲۰۰).

از دیدگاه نجم‌الدین رازی، عقل کل می‌تواند انسان را در راه پی بردن به وجود خالق و صفات او کمک کند و در جایی دیگر می‌گوید که هر جا عقل نباشد، حیا هم وجود نخواهد داشت.

با تأمل در آرای احمد غزالی و رازی در مرصادالعباد می‌توان دریافت که منظور این دو عارف از عقل، همان عقل ابزاری است که مانع رسیدن به حقیقت الله می‌شود و گرنه عقل در ژرفای خود، یکی از مواهب الهی است و در زمینه تعارض عقل و عشق، هیچ اختلاف آشکاری میان دیدگاه این دو عارف وجود ندارد.

۵-۴. تقسیم‌پذیری عشق

دیدگاه غزالی در مورد انواع عشق در حقیقت تفسیر خاص او از کلمات قرآنی ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ است؛ چراکه این کلمات بیانگر سیر صعودی و نزولی روح انسان است «هم او عاشق، هم او معشوق و هم او عشق» (غزالی، ۱۳۵۹).

بنا بر باور غزالی، عشق به خالق و مخلوق تقسیم می‌شود «يُحِبُّهُمْ» خداوند عاشق و انسان معشوق و «يُحِبُّونَهُ» انسان عاشق و خداوند معشوق است. غزالی از قسم سوم برای عشق سخن به میان می‌آورد که فراتر از عشق خالق و مخلوق است، عشق حق به ذات خود که همان «عشق مطلق» است.

عشق مطلق بنا بر باور غزالی، عشق حق به ذات خود و رسیدن به اصل توحید است؛ البته این عشق در بطن عبارات غزالی درک می‌شود و در ظاهر عبارات غزالی، عشق حق به ذات دیده نمی‌شود؛ در حقیقت از دیدگاه غزالی، عشق خلق و حق یک رابطه دوطرفه است و مصداق آیه ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ است و می‌گوید: آدمی پیش از آنکه عاشق باشد، معشوق بوده که این یک امر ازلی و ابدی است. نخست خداوند، عاشق انسان می‌شود،

سپس انسان، عاشق خداوند می‌شود. عشق خالق به مخلوق، بار امانتی است که حضرت حق در روز میثاق بر جان انسان نهاد «زمانی که حجاب کنار رود، نور عشق حق از درون جان می‌تابد و با تابش این عشق، عشق خلق به حق پدیدار می‌شود» (غزالی، ۱۳۵۹)؛ بنابراین، غزالی معتقد به سه نوع عشق است: الف - عشق خالق به مخلوق، ب - عشق مخلوق به خالق و ج - عشق مطلق.

غزالی همچنین «به صورت غیرصریح» از قسم چهارمی به نام عشق مجازی نفسانی و حیوانی نام می‌برد و عشق مجازی که پاک باشد، رقیقه عشق الهی می‌داند و عشق مجازی نفسانی را پلی برای رسیدن به عشق حقیقی می‌داند. وی از داستان‌های عاشقانه محمود و ایاز و لیلی و مجنون به عنوان عشق پاک نام می‌برد. با بررسی شرح حال غزالی، وی تجربه عشق مجازی داشته و از طریق آن توانسته است به مراحل بالای سیر و سلوک برسد؛ بنابراین، از دیدگاه غزالی، حقیقت عشق در عین وحدت دارای مراتب مختلفی است و اختلاف این مراتب به اشتراک آن‌ها برمی‌گردد. تعارض صفات عاشق و معشوق در نتیجه اختلاف در مرتبه عشق است به این صورت که در عاشق به صورتی خاص و در معشوق نیز به صورت دیگر ظاهر می‌شود.

از نظر غزالی عشق به انسان کامل، بعد از عشق به خدا بهترین نوع عشق است که بیانگر این مطلب است «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلُ الْجَمَالِ، عاشق آن جمال باید بود یا عاشق محبوبش» (غزالی، ۱۳۵۹). بنابراین، خداوند عاشق جمال خود است و انسان که مظهر جمال خداوند هم است نیز دوست دارد؛ پس یا باید عاشق جمال باشد یا عاشق محبوب آن جمال. منظور از محبوب آن جمال، انسان کامل که آینه تمام نمای حق است.

در تحلیل سخنان نجم‌الدین رازی به صورت مستقیم تقسیم‌پذیری عشق مطرح نشده است، اما از فحوای کلام شیخ می‌توان دریافت که او نیز قائل به تقسیم‌پذیری عشق بوده و بر این باور است که عشق و محبت صفتی است که از ابتدا متعلق به روح (ذات) بوده و سرَّ يُحِبُّهُمْ و يُحِبُّونَهُ در این نکته نهفته است: «ناز و کرشمه معشوق نه عاشق را می‌رسد؛ زیرا که عاشق پیش از وجود خویش، معشوق را مرید نبود، اما معشوق پیش از وجود عاشق، مرید عاشق بود، چنانکه خرقانی گوید: او را خواست که ما را خواست. به حقیقت میان عاشق و معشوق بیگانگی نیست» (رازی، ۱۳۸۷).

شیخ رازی بر این باور است که سر منشأ عشق از سوی خداوند است و انواع عشق؛ شامل «عشق حق به بنده» و «عشق بنده به خداوند» می شود و به صراحت از «عشق مجازی نفسانی» نیز سخن می راند، این عشق همان عشقی است که سبب بیرون راندن آدم از بهشت شد. او در مرصادالعباد، داستان عشق آدم به حوا و غالب شدن صفت حیوانی شهوت بین آدم و حوا را شرح می دهد؛ «به مقدار آنکه از لذات و شهوات حیوانی نفس آدمی ذوق می یابد، با آن انس می گیرد و بدان مقدار انس حق از دل او کم می شود» (نجم الدین رازی، ۱۳۸۷).

بنابراین، از دیدگاه رازی، عشق مجازی نفسانی یا حیوانی سبب دور شدن خلق از یاد حق می شود، این عشق همان عشقی است که سبب مذلت و رسوایی و غیرت اولین عاشق یعنی خداوند شد: «ای آدم تو را نه از بهر تمنعات نفسانی آفریدیم که خوف آن است که این چه نیم روزت در بهشت بگذاشتیم، به غیر ما مشغول گشتی، اگر خود یک روزت تمام بگذارم، یکباره مارا فراموش کنی و از لطف ما هیچ یاد نیاری» (رازی، ۱۳۷۸).

«عشق مطلق» یا «عشق خداوند به خود» نیز از فحوای کلام رازی استنباط می شود، این عشق، همان عشقی است که سبب خلقت کائنات شد. «حق تعالی چون اصناف موجودات می آفرید از دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ، وسایط گوناگون بر کارکرد. در هر مقام و منزل، کارکنان مختلف فراداشت؛ سپس از ابر کرم باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد و در دل چندین شور و فتنه حاصل کرد» (رازی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، خداوند در روز ازل به علت حب ذات، ابتدا عاشق خود است، سپس این عشق در موجودات دیگر تجلی پیدا می کند؛ پس خداوند اول و بالذات عاشق خود است و عاشق هر چیزی که منسوب به اوست و به همین خاطر همه موجودات متعلق به واجب الوجود هستند. بنابراین، همه موجودات براساس استحقاق و شایستگی محبوب خداوند هستند و هر موجودی بر اساس فهم و درک خویش به خداوند عشق می ورزد. از این رو، غزالی و رازی معتقد به یک رابطه دو طرفه عشق حق و خلق هستند و عشق را یک امر ازلی و ابدی می دانند.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

احمد غزالی و نجم الدین رازی در بیان تعاریف و تقسیم بندی انواع عشق شباهت های بسیاری دارند. هر دو عارف، وجود انسان را مقصود و خلاصه جملگی آفرینش و عشق را

محرک اصلی تکامل انسان می‌دانند و با استناد به آیه ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ بر این باورند که اولین عاشق خداوند بود؛ حضرت حق زمانی که می‌خواست با خود نرد عشق بیازد، ابتدا نور روح محمدی و سپس کائنات را پدید آورد. «حب حق به ذات خود» همان عشقی است که غزالی از آن تعبیر به «عشق مطلق» می‌کند و بالاترین نوع عشق است، این عشق در مرصادالعباد نیز به صورت غیرصریح مطرح شده است. انسان کامل ترکیب مزجی از عالم الله و آفرینش است پس یا باید عاشق آن جمال بود یا عاشق محبوب آن جمال؛ بنابراین، عشق به انسان کامل، بهترین نوع از عشق‌های مجازی است؛ چراکه بعد از عشق حقیقی، هیچ عشقی از لحاظ مرتبه و تأثیر به پای این نوع عشق نمی‌رسد. «عشق مجازی» به طور مستقیم در عبارات و الفاظ احمد غزالی و رازی مطرح نشده است، اما از فحوای کلام هر دو عارف می‌توان باور به این نوع عشق را درک کرد. هر دو عارف بر این باورند که «عشق خداوند به بنده»، بار امانتی است که در روز ازل بر جان انسان نهادند و با تابش این عشق از درون به بیرون عشق «بنده به خداوند» پدیدار می‌شود.

تعارض عشق با عقل از جمله مسائل دیگری است که در مرصادالعباد مطرح است؛ چنانکه عشق را سلطان و عقل را دربان دانسته است. عقل در عرفان احمد غزالی، چراغ سالک تا ساحل عشق است و سالک زمانی که به مرحله دریافت حقایق عشق رسید که بر عقل مشرف شود و هر دو عارف بر این باورند که عقل مصلحت‌اندیش، آدمی را به بند خودپرستی گرفتار می‌کند و از وصال حقیقت بازمی‌دارد.

عمده نظریات غزالی و رازی برای بیان عشق‌ورزی، مبتنی بر مکتب سکر است؛ با این حال هر دو عارف مانند اغلب عارفان، جایگاه عقل را نفی نمی‌کنند.

تبیین عشق به زبان تمثیلی و رمزی در آثار غزالی و تعبیر متفاوت از عشق با نام عشق مطلق، شیوه بیان و پرداختن به مفاهیم و اختلافات جزئی از جمله وجوه تمایز آثار احمد غزالی و مرصادالعباد رازی است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mahmood Bashiri



<http://orcid.org/0000-0002-5076-6982>

Niloofer Ansari



<http://orcid.org/0000-0002-3799-7823>

منابع

قرآن کریم.

اسماعیل پور، محمد مهدی. (۱۳۹۴). قرآن و حدیث، الهام بخش آرای عرفانی نجم والدین رازی و مرصادالعباد. حکمت عرفانی، ۴(۲-پ ۱۰)، ۷۵-۹۱.

_____ (۱۳۹۴). زیبایی عرفانی در مرصادالعباد. پژوهشنامه عرفان، ۹(۱۷)، ۱-۱۷.

اسماعیل پور، ولی الله. (۱۳۹۰). مفهوم عشق و مقایسه آن در دستگاه فکری احمد غزالی و عین القضاة همدانی. زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، ۳(۹)، ۲۵-۴۶.

امامی، نصرالله، محمد، غلامرضایی، محقق، عبدالرضا. (۱۳۸۹). رابطه تجلی با محبت و معرفت با تأکید بر مرصادالعباد نجم الدین رازی. شعر پژوهی، ۲(۴-پ ۶)، ۱-۲۷.

آملی، سید حیدر. (۱۳۷۷). جامع الاسرار و منبع الانوار. ترجمه سید جواد هاشمی علیا. تهران: قادر. پرهیزگار، زرین تاج، عقدایی، تورج. (۱۳۸۹). انسان در مرصادالعباد، ادیان و عرفان. ۷(۲۵)، ۱۲۱-۱۵۴.

پورجوادی، نصرالله. (۱۳۶۵). عالم خیال از نظر احمد غزالی، معارف مرداد، ۳(۸)، ۳-۵۴.

_____ (۱۳۷۵). بوی جان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

_____ (۱۳۵۶). مکتوبی از احمد غزالی. جاویدان خرد، ۳، ۳۲-۳۷.

خیاطیان، قدرت الله، رشیدی نسب، طناز. (۱۳۹۸). بررسی مقایسه ای انسان شناسی عرفانی از منظر شیخ نجم الدین رازی و عزیز نسفی. الهیات تطبیقی، ۱۰(۲۱)، ۱۰۹-۱۲۴.

دل افروز، حلیمه. (۱۳۹۴). بررسی مقوله خردستیزی در آثار نجم رازی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.

رازی، نجم الدین. (۱۳۲۲ ق). مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد. تهران: بی تا.

_____ (۱۳۸۰). مرصادالعباد به همت محمد امین ریاحی. چ ۲. تهران: انتشارات علمی

و فرهنگی.

_____ (۱۳۸۱). مرموزات اسدی در مرموزات داوودی. مقدمه و تصحیح محمدرضا

شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

- _____ (۱۳۸۷). مرصادالعباد. به اهتمام دکتر محمد امین ریاحی. چ ۶. تهران: علمی و فرهنگی.
- رودگر، محمد. (۱۳۹۰). *عرفان جمالی در اندیشه‌های احمد غزالی*. قم: ادیان.
- _____ (۱۳۹۷). «مبانی نظری عشق عرفانی در سوانح‌العشاق احمد غزالی»، نشر پژوهی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۲۱ (۴۳)، ۱۳۵-۱۵۴.
- سیدان، پور عماد؛ الهام، سارا. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل جامعه‌شناسی ذوق ادبی با تأکید بر مرصادالعباد نجم‌الدین رازی. *ادب و زبان*، ۲۰ (۴۱)، ۱۶۱-۱۸۱.
- صالحی، صغری. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی عشق از نظر احمد غزالی و ملاصدرا. *همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، فردوسی و فرهنگ و ادب فارسی*، دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان با مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
- غزالی، احمد. (۱۳۵۸). *مجموعه آثار فارسی*. به اهتمام احمد مجاهد. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۹). *سوانح‌العشاق*، تصحیح نصرالله پورجوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۶۸). *سوانح‌العشاق*، به تصحیح هلموت ریتز. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۹۷ هـ. ق.). *بحر الحقیقه*، به اهتمام نصرالله پورجوادی. بی‌جا: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
- _____ (۱۳۷۶). *شروح سوانح* (سه شرح بر سوانح‌العشاق). تهران: سروش.

References

The Holy Quran.

- Ismailpour, M. M. (2014). Qur'an and Hadith, the inspiration for the mystical opinions of Najm Walidin Razi and Mursad al-Abad. *Mystical wisdom*, fourth year, number 2, series 10, 75-91. [In Persian]
- _____ (2014). Mystical beauty in Mursad Abad. *Irfan Research Journal*, 9th year, 17th issue, 1-17. [In Persian]
- Ismailpour, V. (2010). The concept of love and its comparison in the intellectual system of Ahmad Ghazali and Ain al-Qadat Hamdani. *Persian language and literature*, Sanandaj Azad University, third year, number 9, 25-46. [In Persian]
- Emami, Na., Gholamrezaei, M., Mohagheghi, A. (2009). The relationship of manifestation with love and knowledge with an emphasis on Mursad al-Abad Najmuddin Razi. *Research poetry, second cycle*, number 4, series 6, 1-27. [In Persian]

- Amoly, S. H. (1998). *Jame al-Asrar and Source of Asrar*. Translated by Seyyed Javad Hashemi Alia. Tehran: Qadir. [In Persian]
- Pious, Z., Eghdaei, T. (2010). Humans in Mursad al-Abad, *religions and mysticism*. (25) 7, 121-154. [In Persian]
- Porjavadi, N. (1986). Alam Khyal according to Ahmed Ghazali, *Ma'arif Mardad*, third period, number 8, 54-3.
- . (1996). *the smell of life*, Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian]
- . (1977). A letter from Ahmad Ghazali. *Javidan Khard*, No. 3, 32-37. [In Persian]
- Khayatian, Q, Rashidi Nasab, T. (2018). A comparative study of mystical anthropology from the perspective of Sheikh Najmuddin Razi and Aziz Nasfi. *Comparative Theology*, Year 10, Number 21, 109-124. [In Persian]
- Delafroze, H. (2014). Examining the category of subjugation in the works of Najm Razi. *Master's thesis*. Tabriz University. [In Persian]
- Razi, Najmuddin. (1943 AH). *Mursad al-Abad from Man Al-Mubad to Al-Ma'ad*. Tehran: Bitā. [In Persian]
- . (2001). *Mursad al-Abad by Mohammad Amin Riahi*. Ch 2. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- . (2002). *Mysteries of Esdi in Mysteries of Chrysanthemum*. Introduction and proofreading by Mohammad Reza Shafi'i Kodkani. Tehran: Sokhn. [In Persian]
- . (2008). *Mursad Abad by Dr. Mohammad Amin Riahi*. Ch 6. Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Rodger, M.. (1390). *Irfan Jamali in the thoughts of Ahmad Ghazali*. Qom: Religions. [In Persian]
- . (2017). "Theoretical Foundations of Mystical Love in Ahmad Ghazali's Tragedy of Lovers", *Prose Research*, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Volume 21, Number 43, 135-154. [In Persian]
- Sidan, P. E., Elham, S. (2016). Investigation and analysis of the sociology of literary taste with an emphasis on Mursad al-Abad Najm Walidin Razi. *Adab and Language*, Volume 20, Number 41, 161-181. [In Persian]
- Salehi, S. (2015). A comparative study of love according to Ahmad Ghazali and Mulla Sadra. *International Conference of Oriental Studies, Ferdowsi and Persian Culture and Literature*, Yerevan State University of Armenia with Mobin Cultural Ambassadors Foundation. [In Persian]

- Ghazali, A (1979). *A collection of Persian works*. To the attention of Ahmed Mujahid. Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute. [In Persian]
- _____. (1981). *Savanehol oshagh*. Edited by Nasrollahpour Javadi, Tehran: Iran Culture Foundation Publications. [In Persian]
- _____. (1990). *Savanehol oshagh*. edited by Helmut Ritter, Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- _____. (2018 AH). *Bahr al-Haqiqah*, by Nasrallah Pourjavadi. Bibai: Imperial Society of Iranian Philosophy. [In Persian]
- _____. (1997). *Explanations of Savanehol* (three explanations on *Savanehol oshagh*). Tehran: Soroush. [In Persian]

استناد به این مقاله: بشیری، محمود، انصاری، نیلوفر. (۱۴۰۱). جایگاه عشق عرفانی در مرصادالعباد با تأملی در دیدگاه احمد غزالی، عرفان پژوهی در ادبیات، (۲)، ۴۱-۶۱.



Mysticism in Persian Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.